



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۲۵۳

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۱

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

سردبیر: سیاوش دانشور

## در باره قطعنامه حزب پیرامون

### شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی

### پاسخ به برخی سوالات

با هیئت داور حزب

علی جوادی، آذر ماجدی، سیاوش دانشور

صفحه ۲



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

## اول مه ۲۰۱۲

امسال کارگران در ابعاد جهانی تری علیه اعمال سیاست ریاضت اقتصادی و مجازات جمعی کارگران سخن گفتند. به همان درجه که اعلام نفرت از سرمایه داری وسیع تر بود به همان درجه حس همسرنوشتی طبقاتی و انترناسیونالیسم کارگری بیشتر موج میزد. از آمریکا تا آسیا و اروپا کارگران حرفهای کمابیش مشابهی زدند. علیه سیاست ریاضت اقتصادی، برای بهبود و رفاه، برای افزایش دستمزدها، برای تغییر قانون کار به نفع کارگران، علیه قراردادهای کوتاه مدت، علیه دولتها، علیه نفس جامعه کاپیتالیستی، علیه راسیسم و تفرقه نژادی در تریبونهای اول مه سخن گفته شد.

تشدید بحران سرمایه داری و امواج بیکاری و فقر گسترده ابهام بزرگی بالای سر جوامع و بویژه کشورهایی که وضعیت وخیم تری دارند قرار داده است. موج اعتصابات و اعتراضات گسترده تر و رادیکال تر در راهند.

در ایران علیرغم اختناق وسیع و سیاستهای سرکوبگرانه قبل از اول مه، نشانی از ارباب دیده نشد. در شهرهای کردستان کارگران و فعالین کارگری بطرق مختلف تلاش کردند اول مه را برگزار کنند. در شهرهای دیگر و برخی مراکز صنعتی کارگران اول مه را به اشکال گوناگون برگزار کردند. محافل و کانونها و تشکلهای کارگری انواع قطعنامه صادر کردند و صدایشان را با صدای طبقه کارگر جهانی هماهنگ و بر خواستها و سیاستهای اساسی طبقه کارگر تاکید کردند.

همزمان تیک تیک بمب فقر و گرانی و بیکاری حتی حکومتیها را به وحشت انداخته و جنگ بالائی ها را تشدید کرده است. راه دوری نباید رفت، این بمب منفجر میشود. \*

قطعنامه و بیانیه دفتر سیاسی حزب،

## شورای پایه گذاری

## حکومت کارگری - سوسیالیستی



### کارگران شرکت مینو

3 ماه دستمزد معوق!

### کارگران جنرال مکانیک

4 ماه دستمزد معوق،

تهدید و اخذ تسویه های دروغین!

### کارکنان آموزش و پرورش منطقه 5 تهران

عدم تمدید قراردادهای، عدم پرداخت سنوات و اضافه کاری!

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



## در باره قطعنامه حزب پیرامون شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی

### پاسخ به برخی سوالات

با هیئت دائر حزب

و یک بهانه برای جلوگیری از تلاش ما منادیان آزادی و سعادت و خوشبختی جامعه از حاشیه جامعه بلند میشود. ماهیت این تلاشها را باید شناخت. این بهانه ها گوشه ای از مخالفت خوانی با ادعای کمونیسم و کارگر برای تصرف قدرت سیاسی و استقرار حکومت کارگری - سوسیالیستی است.

**یک دنیای بهتر:** حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای قدرت سیاسی استراتژی روشنی دارد. آیا این سند با استراتژی حزب در تناقض نیست؟ نمیتوان اینطور فرض کرد که این سیاست به جبهه و یا بلوکی از چپ منجر و در تقابل با استراتژی حزب است؟

**آذر ماجدی:** ابتدا بهتر است بگوییم استراتژی حزب چیست و بعد ببینیم که آیا این طرح با استراتژی حزب در تناقض هست یا نه. حزب برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و سازماندهی یک انقلاب کارگری تلاش می کند که در نتیجه آن بر ویرانه های نظام سرمایه داری یک جمهوری سوسیالیستی را پایه گذاری کند؛ جمهوری سوسیالیستی نظامی است که از نظر سیاسی بر مبنای کنگره سراسری شوراهای مردم اداره می شود. این استراتژی و هدف نهایی حزب است. برای رسیدن به این هدف حزب یک مبارزه دائمی، قاطع و رادیکال را در عرصه های مختلف سیاسی، تئوریک، ایدئولوژیک و سازماندهی به پیش می برد.

صفحه ۳

تبعید" تبدیل شود باید "خدای ناکرده" از قدرت ساقط شده باشد. اما چنین تلقی ای از این طرح مترادف با دمیدن شیبور از دهانه گشاد آن است.

به نظرم جامعه چنین تصویری از این طرح نخواهد داشت. جامعه روشن و بدون پیچیدگی خاصی خواهد گفت که "کمونیستها دارند تلاش میکنند حکومت خودشان را شکل دهند." این تصویر واقعی تر است.

پرسیده آید "مگر قرار نیست سوسیالیسم در ایران و توسط طبقه کارگر مستقر شود؟" مسلم است که حکومت سوسیالیستی و جامعه سوسیالیستی مورد نظر ما در ایران و با نیروی طبقه کارگر و کمونیسم در پس تلاطمات سیاسی جامعه مستقر خواهد شد. اما چه کسی گفته است که تلاش برای شکل دادن و یا پایه گذاری حکومت فردا هم منوط به حضور در ایران است. آیا تمام تلاش تاکنونی ما در عین حال بخشی از پروسه شکل دادن به آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی در فردای سرنگونی رژیم اسلامی نبوده است؟ چه کسی گفته است که ما کارگران، ما کمونیستها، باید صبر کنیم تا رژیم اسلامی سرنگون شود، سپس به ایران بازگردیم و آنگاه تلاش خود برای "پایه گذاری" حکومت کارگری - سوسیالیستی را آغاز کنیم؟ چرا هر تعداد از ناسیونالیستها و بورژواها میتوانند از هم اکنون و در هر گوشه ای از جهان مدعی قدرت سیاسی آتی شوند و آلترناتیو خودشان را از هم اکنون پایه گذاری کنند؟ اما زمانیکه به کمونیستها و کارگران میرسد هزار

دیگر هدف و معنای "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی" است.

اینکه "مردم" چه استنباطی از این طرح بگیرند تماما به تلاش ما مدعیان حکومت کارگری - سوسیالیستی آتی ایران برمیگردد. اگر ما خوب کار کنیم مسلما مخالفین این طرح نمیتوانند چنین تلقی ای از این پروژه را به یک تبیین رایج در هیچ گوشه ای از جامعه تبدیل کنند. اما در عین حال باید گفت که دولت در تبعید تعریف خاص خود را دارد. معمولا دولتی است که ساقط شده است و بخشهایی از آن خود را در تبعید مستقر کرده است. شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی چنین پروژه ای نیست. از چنین موقعیتی نیز برخوردار نیست. تلاشی است برای شکل دادن به حکومت آتی ایران در فردای سرنگونی رژیم اسلامی. دولت نیست. تلاشی است برای شکل دادن به آلترناتیو کارگری. تلاشی است برای طرح مقبولیت و مطلوبیت حکومت کارگری - سوسیالیستی در تحولات جامعه. به این اعتبار و به طریق اولی "دولت در تبعید" نیست. برای اینکه دولت شود باید رژیم اسلامی سرنگون شده و قدرت سیاسی به تصرف اردوی چپ و کمونیسم و کارگر در جامعه در آمده باشد. این پیش شرط تبدیل این آلترناتیو به قدرت دولتی است. و برای اینکه به "دولت در

**یک دنیای بهتر:** "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی" به چه معنی است؟ آیا این تعبیر نمیتواند در ذهن مردم اشکالی از "دولت در تبعید" را تداعی کند؟ مگر قرار نیست سوسیالیسم در ایران و توسط طبقه کارگر مستقر شود؟

**علی جوادی:** "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی" همان است که در بیانیه و طرح دفتر سیاسی حزب قید شده است. تلاشی است برای شکل دادن به آلترناتیو کارگری - سوسیالیستی در مقابله با آلترناتیو بورژوازی و کاپیتالیستی در فردای رژیم اسلامی. تلاشی است برای جمع آوری نیرو به گرد این پروژه در شرایط حساس کنونی. تلاشی است برای شکل دادن به صف و اردوی کمونیسم و کارگر در قامت نیروهای مدعی حکومت آتی ایران. تلاشی است برای شکل دادن به آلترناتیوی که متضمن آزادی و برابری و رفاه همگان است. تلاشی است برای طرح و قرار دادن آلترناتیو کارگر و سوسیالیسم در مقابل جامعه و دعوت از همه نیروها و کارگر و توده های مردم آزادیخواه و برابری طلب به این اردو. اعلام آمادگی صف کمونیسم و کارگر است برای شکل دادن به حکومتی کارگری - سوسیالیستی در فردای سرنگونی رژیم اسلامی است. ابراز وجود آلترناتیوی است که میتواند نقطه امید کارگر و توده مردم زحمتکش در تلاش شان برای خلاصی از رژیم اسلامی و سرمایه بر سرنوشت و مقدراتشان باشد. این مجموعه و بسیاری



## در باره قطعنامه حزب پیرامون شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی

### پاسخ به برخی سوالات ...

با هیئت داور حزب

سازی بورژوازی قد علم کند و بعنوان یک آلترناتیو معتبر در مقابل جامعه قرار گیرد. همانگونه که بارها توضیح داده ایم، این طرحی برای اتحاد چپ در یک سازمان یا جبهه نیست. چنین طرحهایی نه مطلوب و نه ممکن است. تئوری و پراتیک هر دو پوچی چنین طرحهایی را اثبات کرده است. ممکن است پرسیده شود اگر اتحاد سازمانی - جبهه ای مد نظر نیست، پس چیست؟

این طرح می‌کوشد کلیه جریانات کمونیست و چپ انقلابی را حول آنچه به آن معتقدند گرد آورد؛ سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، سازماندهی انقلاب کارگری، ایجاد یک جامعه سوسیالیستی که بشکل شورایی اداره می‌شود، نقاط مشترک بسیاری از این سازمان‌ها است. موارد مورد اختلاف بر سر نکات دیگر یا تعبیر متفاوت از سوسیالیسم و غیره نهفته است. اما بر سر نکات فوق یک توافق عمومی میان جریانات کمونیستی و چپ انقلابی موجود است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که این جریانات، در عین حالی که سازمان و برنامه خود را حفظ کرده‌اند، حول این قطعنامه گرد آیند و برای ایجاد چنین آلترناتیوی تلاش کنند. این یک امر مطلوب و شگفتی‌ناپذیر است. اگر این سازمانها و جریانات اراده کنند، می‌توان این طرح را به پیش برد.

گردآمدن چنین سازمانهایی حول این طرح لرزه بر اندام رژیم اسلامی و اپوزیسیون بورژوازی آن چه در

کمونیسم و فعالیت کمونیستی بنظر من هیچ ربطی به کمونیسم مارکس ندارد. یکی از مهمترین تزه‌های مارکس امر "تغییر جهان است." تمام افشاءگری‌ها و اشاعه حقیقت توسط ما کمونیستها باید منجر به یک تغییر اساسی در زندگی مردم شود؛ در زندگی جامعه و دنیایی که در آن بسر می‌بریم. در غیر اینصورت کار ما به یک فعالیت نیکوکارانه کاهش می‌یابد.

کمونیسم همیشه و بویژه در شرایط تندبیچ‌های سیاسی باید برای برداشتن قدم‌های بزرگ و خیز برداشتن برای قدرت آماده باشد. این بخشی از صورت مساله و صورت وظایف فعالیت کمونیستی است. اکنون یکی از آن تندبیچ‌های اساسی است. دنیا در شرایط ویژه و پرتحوالی بسر می‌برد؛ بحران اقتصادی تمام دنیا را فرا گرفته است؛ در یک منطقه مهم سیاسی در سطح جهان، خاورمیانه و شمال آفریقا، خیزش‌های توده‌ای شکل گرفته است و قدرت در حال دست‌بدست شدن است؛ خطر جنگ و حمله نظامی به ایران هنوز بالای سر جامعه است؛ در چنین شرایطی کمونیستها نمی‌توانند دست‌روزی دست بگذارند و به کار تبلیغی و افشاءگری بسنده کنند. باید پروژه‌های بزرگتری را تعریف کرد و دست‌بکار انجام آن شد.

قطعنامه شورای پایه‌گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی تلاشی برای تعریف چنین پروژه‌ای است. حزب با درک شرایط حساس و خطیر کنونی، بر آن شد که پروژه‌ای را تدوین کند تا کمونیسم و چپ انقلابی بتواند در مقابل آلترناتیو

حزب این مقولات را در نظر داشته است. بورژوازی از هر رنگ و بویی، همیشه چشم به قدرت دارد. چهار نفرشان که دور هم جمع می‌شوند از قدرت صحبت می‌کنند. اما نه تنها بورژوازی، بلکه به یمن سرکوب‌خشن و دیرینه کمونیسم، حتی بخشی از جنبش چپ و کمونیستی نیز قدرت را یک میوه ممنوعه برای طبقه کارگر و کمونیسم بشمار می‌آورد. چرا طبقه کارگر و کمونیست‌ها نباید آماده خیز برداشتن برای کسب قدرت سیاسی باشند؟ چرا باید همیشه در انتظار یک روز موعود کمونیست‌ها در حاشیه مبارزه برای قدرت قرار گیرند و عملاً طبقه کارگر به سیاهی لشکر یا گوشت دم‌توپ بورژوازی بدل شود؟ این یک سوال اساسی و مهم است که بویژه در این دوران آلترناتیو‌سازی توسط اپوزیسیون بورژوازی و دولتهای غربی، دارای اهمیتی صدچندان می‌شود. بورژوازی "خودی" و بین‌المللی دارند برای مردم آلترناتیو می‌سازند و با تمام قدرت رسانه‌ای، لشکری و مالی خود در تلاشند که این آلترناتیو را به مردم حقه‌کنند.

آیا در چنین شرایطی مجاز است که کمونیست‌ها دست‌روزی دست بگذارند و فقط به افشاءگری از رژیم و اپوزیسیون ارتجاعی آن اکتفاء کنند؟ آیا کار کمونیستها فقط افشاءگری و اشاعه حقیقت است؟ چنین تصویری از

حزب می‌کوشد تا خود را برای کسب قدرت سیاسی آماده و مجهز کند، خود را در دسترس مردم و جامعه قرار دهد تا مردم نه تنها آنرا بشناسند و به آن اعتماد کنند، بلکه آنرا انتخاب کنند.

این یک توضیح فشرده از استراتژی حزب است. آیا این قطعنامه و تلاش برای تحقق آن با این استراتژی در تناقض است؟ پاسخ من منفی است. این قطعنامه و طرح همانگونه که علی‌جوادی در پاسخ به سوال فوق توضیح داده است، تلاشی است برای طرح آلترناتیو کمونیستی - کارگری برای آینده ایران. این طرح می‌خواهد به مردم و جامعه اعلام کند که کمونیسم خواهان چگونه نظامی است، چگونه به خواسته‌های مردم پاسخگو است و در عین حال، از همه مهمتر، آماده است تا قدرت را بدست گیرد. مساله قدرت آن مقوله کلیدی است. تا زمانی که حکومت کارگری - سوسیالیستی در جامعه مستقر نشود، هیچ سخنی از آزادی، برابری و رفاه، یعنی خواسته‌های پایه‌ای مردم، در میان نخواهد بود. لذا ساقط کردن حکومت بورژوازی و استقرار حکومت کارگری بر ویرانه‌های آن پیش شرط هرگونه پیشرفت واقعی بنفع مردم و طبقه کارگر است. بنابراین ضروری است که در مقابل اینهمه آلترناتیو‌های رنگارنگ بورژوازی، آلترناتیو کمونیستی هم در مقابل جامعه گذاشته شود و به مردم این امکان داده شود تا انتخاب کنند.

در تصویب و طرح این قطعنامه،



## در باره قطعنامه حزب پیرامون شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی

### پاسخ به برخی سوالات ...

با هیئت دائر حزب

لقمه نان به سفره خانواده کارگری اضافه نمیشود.

حرف روشن حزب ما اینست که کارگر بعنوان یک طبقه و اردوی آزادیخواهی و انقلابی باید بعنوان یک راه حل متمایز سیاسی خود را در قلمرو سراسری طرح کند. پرچم این راه حل متمایز تنها میتواند آلترناتیو کارگری در مقابل آلترناتیو بورژوازی باشد. بحث برسر قد علم کردن نیروی اجتماعی ای است که برای گوشه گوشه جامعه پاسخ متفاوت خود را دارد و پاسخ نیروهای دست راستی را نمیپذیرد. بحث برسر قطبی کردن جامعه حول دو افق بورژوازی و کارگری است. بحث جدال برسر قدرت سیاسی و پس ننشستن از این جدال است. بحث برسر منزوی کردن و شکست دادن تلاشهای ارتجاعی نیروهای دست راستی است. تجارب انقلاب ایران در سال ۵۷ و همینطور تجارب خیزشهای توده ای سالهای اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا و حتی تجارب اعتراضات کارگری در اروپا نشان میدهد که بدون وجود یک آلترناتیو قدرتمند و قابل دیدن و قابل انتخاب برای جامعه، بورژوازی میتواند به کثیف ترین شیوه ها مرتجع ترین نیروهای ضد کارگر و ضد جامعه را سر کار بیاورد. کمونیستها نمیتوانند در این دوران متلاطم به کتابخانه هایشان بروند و نظاره گر به مسلخ بردن طبقه کارگر و جامعه برای دور جدیدی باشند. هر درک متوسط سیاسی از وضعیت کنونی میتواند بفهمد که این اوضاع بدون دخالت کارگر و

کارگری را نفی و اثباتا در مقابل جامعه در حال تحول قرار داد؟

از نظر ما اساس این حرکت جدال برسر افق جامعه است. جامعه ای که دستخوش تغییر است روی دهها راه حل قطبی نمیشود بلکه بطور کلی و اجتماعا روی راه حل های چپ و راست قطبی میشود. همین نکته نیز در گرو اینست که راه حل چپ و از نظر من افق کمونیستی تغییر جامعه خود را به صحنه سیاست سراسری رسانده باشد و خود را در قلمرو ماکرو بعنوان یک انتخاب جدی و مادی در دسترس قرار داده باشد. در غیر اینصورت مردم عموما و طبقه کارگر خصوصا، علیرغم جانفشانی ها و فداکاریها در دوره انقلابی، به آنچه که هست رضایت میدهند. نمیتوان فرض کرد که کمونیسم و راه حل کارگری در صحنه سیاسی غائب باشد و همزمان جامعه به راست پنتاگونیستی و حتی به اشکالی تلطیف شده از جمهوری اسلامی رضایت ندهد. ما نمیتوانیم صرفا به نقد اصولی نیروهای دست راستی بسنده کنیم. این نقد، با تمام اصولیت و درستی اش، لازم است اما کافی نیست و نهایتا نقدی در حاشیه جامعه خواهد بود. مثل اینست که کارگران طومار بنویسند و امضا جمع کنند که کارگران به دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر انتقاد دارند اما حاضر نیستند برای افزایش دستمزد و بیرون کشیدن گوشه ای از حقوق حقه شان از حلقوم بورژوازی متشکل شوند، اعتصاب کنند، کنترل کارخانه ها را بدست گیرند و دست به تظاهرات و جدال با بورژوازی بزنند! واضح است که با این سیاست حتی یک

نهادهای دست راستی و با اتکا به نورپردازی رسانه های نوکر مطرح شوند. ثانيا اگر آمریکا و ناتو به ایران حمله نکنند دکان این آلترناتیو راست تخته میشود. این نیروها تئمه ارتجاع بورژوازی اند که در دوره باز شدن قدرت سیاسی برای طبقه حاکم مطلوبیت دورانی پیدا میکنند. بخشی از آنها بیرون حکومت اند و بخشی هنوز بند نافشان را با رژیم اسلامی قطع نکرده اند. ثالثا تنها کلمه "آلترناتیو" بیانگر "کپی برداری" نیست. کمونیستها، طبقه کارگر، اردوی انقلابی روی دوش حمایت سازمانهای جاسوسی و پنتاگون و دول غربی سر کار نمی آیند. این نیرو اگر قوام بگیرد و در سطح جامعه مطرح شود تنها روی دوش انقلابیگری و نفی وضع موجود و اتکا به نیروی مادی انقلاب کارگری میتواند جلو برود. و بالاخره، تئوری از پیش و نسخه ای برای تمام فصول از جانب کمونیستها که "چگونه آلترناتیو میسازند" وجود ندارد. هدف سیاسی و برنامه عملی جنبش کمونیستی کارگری در طول تاریخ خود، بر نقد بنیادهای جامعه سرمایه داری مبتنی بوده است. هر جا این نقد پایه ای به نیروی مادی و راه حل اجتماعی تبدیل شود آلترناتیو کارگری شکل میگیرد. سوال اینست تحت شرایط های مختلف چگونه میتوان راه حل های دست ساز بورژوازی را عقب راند، به شکست کشاند، و راه حل

سطح کشوری و چه در سطح بین المللی خواهد انداخت. دوری گزیدن از قدرت و تن ندادن به دیالوگهایی بر مبنای چنین پروژیهایی از تبلیغات دائم ارتجاع است. ما نباید اجازه دهیم که این شرایط بیش از این ادامه یابد. بعلاوه، طرح و جدیت یافتن چنین آلترناتیو در دل مردم و طبقه کارگر نور امید می تاباند؛ امکان تغییر را در اذهان دست یافتنی می سازد. یک مانع اصلی در مقابل جنبش سرنگونی مردم، عدم وجود یک آلترناتیو و رهبری مشخص است. این طرح می تواند این خلاء را پر کند. حکومت کارگری - سوسیالیستی به یک امر واقعی، زمینی و متعلق به امروز بدل می شود.

**یک دنیای بهتر:** بعضا میگویند این اقدام نوعی کپی برداری از اقدامات نیروهای دست راستی برای آلترناتیو سازی است. چپ به این شیوه آلترناتیو نمیسازد. آیا اینطور است؟ حزب چه هدفی را از طرح چنین سیاستی دنبال میکند و محور اصلی آن کدامست؟

**سیاوش دانشور:** خیر اینطور نیست. این استدلال فقط بی پایه نیست بلکه رواج نوعی تسلیم طلبی در مقابل راست و اشاعه سیاست دست روی دست گذاشتن و کاری نکردن است. بحث برسر "کپی برداری" نیست. اولاً راستها قرار نبوده و نیست روی پای خودشان و با اتکا به نیروی مردم و مکانیزم انقلابی به قدرت نزدیک شوند. آنها قرار است با عناوین مختلف توسط دولتها و

تمام تلاشمان را خواهیم کرد که ناروشنی‌ها را روشن کنیم و راه پیشروی این پروژه را هموار کنیم. اما آنچه به این طرح نمی‌توان چسباند این است که این طرحی برای "اتحاد چپ" است و یا اینکه تلاشی برای تخفیف دادن و مخرج مشترک گرفتن از تعابیر متفاوت اجتماعی و طبقاتی از سوسیالیسم است.

بر عکس، ما می‌خواهیم نیروهای متفاوت اردوی سوسیالیسم و کارگر را به گرد آلترناتیو کارگری - سوسیالیستی جمع کنیم. ما پرچم روشنی را بلند کرده ایم. آنچه به اهتزاز در آمده است پرچم کمونیسم و کارگر است. در این زمینه نه تخفیفی مجاز است و نه ما چنین قصدی داریم. تلاش ما گرد آوردن نیرو به دور این پرچم است. ما موظفیم علیرغم تفاوت‌های معین و داده شده خودمان با سایر جریان‌های چپ تلاش کنیم تا این نیروها را حول پرچم کارگر و کمونیسم در جامعه گرد آوریم. بکوشیم متقاعدشان شان کنیم که تنها این اردو است که می‌تواند متضمن آزادی و برابری و رفاه همگان در فردای سرنگونی رژیم اسلامی باشد. این بخشی از تلاش ما برای پیروزی کمونیسم و کارگر در جدال دو نیروی مدعی قدرت سیاسی در پس تحولات جامعه است. گوشه ای از تلاش ما برای تأمین هژمونی کمونیسم کارگری در جامعه است.

**یک دنیای بهتر:** فرض کنیم نیروهای طرفدار آلترناتیو کارگری اتحادی فرا حزبی و سنگری در مقابل اردوی راست ایجاد کردند. این مسئله چه جایگاهی در سیاست ایران دارد؟ چرا مطلوب است؟ چرا می‌تواند گامی بسوی قدرتگیری کمونیسم در ایران باشد؟

**آذر ماجدی:** همانگونه که در پاسخ به سوال پیش اشاره کردم، یک دلیل مهم

## در باره قطعنامه حزب پیرامون شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی

### پاسخ به برخی سوالات ...

با هیئت داور حزب

طبقاتی و جنبشی خود با سایر کمونیست‌های غیر کارگری و تأکید بر هویت کارگری کمونیسم شکل گرفته و تعریف شده است. طرح شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی تلاشی برای مخرج مشترک گیری و یا رسیدن به "درک مشترک" از سوسیالیسم یا حکومت کارگری نیست. ما تعبیر و تلقی روشن و داده شده خودمان از سوسیالیسم و حکومت کارگری را داریم. سوسیالیسم در درجه اول برای ما لغو کار مزدی است. تبدیل مالکیت خصوصی بر ابزار کار و تولید و توزیع به مالکیت و دارایی جامعه است. بجای تولید برای سود تولید برای رفع نیازهای همگان می‌نشیند. سوسیالیسم برای ما جامعه ای است که "هر کس به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود." همین تعبیر هم در بیانیه و قطعنامه قید شده است. به این اعتبار ما نه قصد کم رنگ کردن تفاوت‌های داده شده خود را با سایر جریان‌های "چپ" داریم و نه هدفمان ایجاد یک "اتحاد چپ" دیگر است. و نه چنین تعبیر و "سوء تفاهمی" مجاز است.

ما به دنبال ایجاد اتحادی از سازمان‌های "چپ" علی العموم نیستیم. ما یک پروژه روشن و اعلام شده داریم. ما می‌خواهیم شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی را شکل دهیم. ما طرح خودمان و انتظارات و توقعات حزبمان از این پروژه را روشن بیان کرده ایم. مسلماً می‌توان به "نقد" این پروژه پرداخت. ما هم

یک رگه مشترک کلیه نیروهای حقیقتاً انقلابی و سوسیالیست نفی حاکمیت بورژوازی در ایران و ایجاد حکومتی کارگری است. این نیروها می‌توانند بعنوان جریان‌های مستقل بعنوان اجزا یک نیروی متحد در تقابل با کلیت راست و آلترناتیو راست قد علم کنند و پرچم متمایزی را در مقابل جامعه قرار دهند. هر درجه پیشرفت در چنین روندی کارگر و سوسیالیسم را در مقیاس جامعه مطرح تر و تلاش‌های بورژوازی را سخت تر خواهد کرد. ما می‌گوئیم ضروری است در مقابل کلیت راست و سرمایه داران سنگربندی محکمی ایجاد کرد و پرچمی را برافراشت که در متن تقابل طبقات اجتماعی برسر قدرت سیاسی امید به سوسیالیسم را بعنوان یک راه حل مطلوب و ضروری عینی تر کند.

**یک دنیای بهتر:** احزاب سیاسی انقلابی و سرنگونی طلب و یا احزابی که خود را سوسیالیست و کمونیست مینامند، اختلافات سیاسی و نگرشی و بخشا جنبشی دارند و پروژه‌های متفاوتی را دنبال میکنند. آیا این سند هدفش ایجاد یک نوع اتحاد چپ و کمرنگ کردن این تفاوت‌هاست؟ اگر نه، ایجاد اردویی در دفاع از آلترناتیو کارگری چگونه این تفاوت‌ها را در نظر می‌گیرد؟

**علی جوادی:** کمونیسم کارگری اساساً بر مبنای تمایز

کمونیسم به کدام نتایج خواهد رسید و چه آینده هولناکی می‌تواند در انتظار باشد. محور سیاست حزب ما تقابل با اردوی راست در جدال برسر آینده جامعه است. ما می‌گوئیم، به هر بهانه ای که هر کسی می‌تواند خودش را قانع کند، جایز نیست صحنه را واگذار کنیم. پیروزی ما نه محتوم است و نه با این تلاشها قطعی است. مبارزه طبقاتی در ایران سیر پیچیده ای را طی خواهد کرد و در این مسیر کمونیستها و طبقه کارگر محدودیت‌های خود را باید سریعاً برطرف کنند. یکی از این محدودیت‌های جدی عدم طرح خود بعنوان یک آلترناتیو متمایز و اعلام جنگی علنی و روشن به بورژوازی است. ما می‌خواهیم سیاست ایران را حول جنبش و اهداف و سیاستها و افق متمایزی قطبی کنیم. ما تلاش داریم به روندی شکل دهیم که دنیا ببیند که در ایران، برخلاف مصر و تونس و بسیاری کشورها، کمونیستها و سوسیالیستها و کارگران یک پای قدرت سیاسی و یک آلترناتیو واقعی هستند. نه فقط می‌توانند در کنفرانسها و اجتماعات علنی شان وسیع ترین و خوشنام ترین شخصیت‌های سیاسی و رهبران کارگری و رهبران جنبشهای اجتماعی را گرد بیاورند بلکه دقیقاً با همین اقدام اعلام میکنند که در مقابل طرح‌های بورژوازی ایستاده اند و پیاده کردن طرح‌های بورژوازی در ایران با یک مانع جدی روبروست.

ما توجه جدی کلیه نیروهای انقلابی را به اهمیت چنین تلاشی جلب میکنیم. بحث ما اینست که

## در باره قطعنامه حزب پیرامون شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی

### پاسخ به برخی سوالات ...

با هیئت داور حزب

کردند" و "زود بود" و غیره. درکی که در بهترین حالت نقش موتور عقب را برای احزاب کمونیستی قائل است و امر سوسیالیسم را موکول به محال میکند. واضح است که یک جریان بدون ریشه اجتماعی، یک جریان غیر کارگری، جریانی که نفوذ قابل توجهی در میان کارگران ندارد، جریانی که در اپوزیسیون به یک نیروی موثر و غیر قابل حذف تبدیل نشده است، جریانی که در مبارزات کارگری نقشی ندارد، جریانی که نمیتواند نیرو جابجا کند و در مقابل حکومت اسلامی و راست کاری از دستش بر نمی آید، حتی اگر بخواهد نمیتواند در جدال قدرت سیاسی شرکت کند. فرض ما اینست که حزب کمونیستی حزبی کارگری است. حزبی است که امکان و قدرت عمل و بسیج و به تحرک درآوردن طبقه را دارد. حزبی است که بخشی موثر و اقلیتی موثر از رهبران کارگری و رهبران سوسیالیست در جامعه را با خود دارد. حزبی است که نماینده رادیکالیسم کارگری و انتقاد کارگری و مارکسیستی در جامعه است. حزبی است دربرگیرنده رهبران کارگران و کارگران پیشرو و مبارز. حزبی است که افق کارگری را به جامعه تسری داده و نقد سوسیالیستی را در جنبشهای اعتراضی و رفع تبعیض به پرچمی جدی و یکطرف جدال تبدیل کرده است. چنین حزبی اگر نتواند در جدال قدرت سیاسی حضور یابد کارگران یکروز هم در صفوفش نمی مانند و بویژه با شکست چنین حزبی در دوره انقلابی کارگران کرور کرور صفوفش را ترک میکنند. نمونه در این زمینه در تاریخ معاصر کم نیست.

این دیدگاه که مسئله قدرت سیاسی را امر طبقه کارگر میداند و نه حزب کمونیستی و یا احزاب کارگری، همواره کارگران را بدون حزب

معتبر در اذهان جامعه است. مردم باید کمونیسم را در قامت آماده قدرت گیری مشاهده کنند؛ باید اعتماد کنند که کمونیست ها فقط بچه های خوب و فداکاری نیستند، قادرند قدرت سیاسی را کسب کنند و آنرا حفظ نمایند. گرد آمدن نیروهای چپ انقلابی و کمونیست حول این قطعنامه بمعنای اعلام آمادگی برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و برقراری یک حکومت کارگری- سوسیالیستی است که توسط شوراهای مردم اداره می شود. این اعلام آمادگی فقط به کمونیستها اعتماد به نفس نمی دهد، به مردم نیز امید و اعتماد به نفس می بخشد. در شرایط حاضر این بهترین طرح برای نزدیک کردن کمونیسم ب قدرت است. در شرایط دیگری ممکن است راه حل های دیگری مناسب تر باشد.

**یک دنیای بهتر:** دیدگاهی در میان چپ هست که اصولا احزاب کمونیستی نباید معطوف به قدرت سیاسی باشند. قرار است این احزاب مبارزه کارگری را تسهیل و در امر سازمانیابی کارگران کمک کنند. مسئله قدرت سیاسی امر طبقه کارگر است و نه حزب یا احزاب. پاسخ شما چیست و این قطعنامه در این زمینه چه میگوید؟

**سیاوش دانشور:** این دیدگاه نه جدید است و نه حتی چپ است. این یک اکونومیسم منشویکی است که در میان نظریه پردازان راست نمایندگان جدیتر خود را دارد. همان کسانی که در چهارچوب آنتی کمونیسم در یک قرن اخیر کتابها تولید کرده اند که "لنین کودتا چی بود" و "لنین و بلشویکها اشتباه

تصویر است. برای تقویت جنبش سرنگونی انقلابی مردم، چپ انقلابی و کمونیسم باید سازمانیافته تر و مجهزتر در مقابل جامعه ظاهر شوند. توقعات وحدت طلبانه مردم باید در کانال درست و اصولی راهنمایی شود. انتظار وحدت تمام سازمانهای چپ و کمونیست در یک سازمان یا جبهه یعنی چیزی شبیه کنفرانس وحدت انقلابی در اواخر دهه پنجاه شمسی، امری غیرممکن و بیحاصل است. اما گرد آمدن این سازمانها حول یک طرح مشخص و همکاری برای تحقق چنین طرحی امری کاملا ممکن است. از اینرو حزب چنین قطعنامه ای را تصویب و به سازمانهای چپ عرضه کرده است. صرف طرح این قطعنامه و تلاش برای گردآوری نیرو برای آن بنظر من تحرک مثبتی را در جامعه ایجاد می کند. و چنانچه این پروژه متحقق شود، جنبش سرنگونی انقلابی را در شرایط بسیار مساعدتری قرار خواهد داد. امید به تغییر را افزایش می دهد و سرنگونی رژیم اسلامی را به یک امر ممکن بدل خواهد کرد. چنین تحولی در روانشناسی توده ها و جامعه یک دستاورد بسیار مهم و حیاتی است.

این طرح در شرایط کنونی، پراکندگی نیروهای کمونیست و عدم وجود یک حزب کمونیستی کارگری قوی، بنظر من راه بسیار مناسبی برای تبدیل کمونیسم به یک قدرت

عدم پیروزی جنبش سرنگونی توده ای عدم وجود یک آلترناتیو و رهبری روشن است که توانایی پاسخگویی به خواستهای مردم را دارا باشد. فاکتور سرکوب خشن یک مساله مهم و اساسی است، اما تنها فاکتور نیست. افق روشن برای آینده در میان جامعه وجود ندارد. مردم رژیم اسلامی را نمی خواهند، این یک واقعیت روشن و انکار ناپذیر است و مردم باشکال مختلف این مساله را نشان داده اند. اما در عین حال در جامعه ایران که بسیار قطبی است، یک جنبش همه با هم به آسانی شکل نمی گیرد. بورژوازی و قطب ارتجاع تلاشهای بسیاری برای شکل دادن به چنین افق و آلترناتیوی انجام داده اند؛ اما تاکنون تمام این تلاشها شکست خورده است.

این واقعیت که تلاشهای بورژوازی برای آلترناتیو سازی عملا در نطفه خفه می شود، دقیقا بخاطر این ویژگی جامعه ایران است که در اپوزیسیون سیاسی جامعه نیز پدیدار است. جنبش کمونیستی و چپ در ایران قوی است. دارای یک تاریخچه طولانی و مهم است؛ جنبش کارگری همچنین سابقه یک مبارزه طولانی و شورایی را پشت سر خود دارد. این شرایط و وجود یک اپوزیسیون کمونیستی وسیع به بورژوازی اجازه نمی دهد که بر راحتی یک آلترناتیو ارتجاعی را بر جامعه حفته کند، بطور نمونه کاری که در مورد لیبی و سوریه انجام شده است.

اما این کافی نیست. این فقط نصف

کند تا بتواند برنامه کارگری اش را اجرا کند. کارگران هیچ جای دنیا و هیچوقت دسته جمعی و یا اکثریت آنها با هدفی واحد از همان ابتدا بمیدان نمی آیند. این قوطی بگیر و بنشان لیبرالیسم چپ است که راهنمای چپ میزند اما همواره براسست میچرخد.

کارگر یک طبقه اجتماعی با اهدافی اجتماعی است که امروز در همه جای جهان اکثریت عظیمی را تشکیل میدهد. اما حتی اگر اقلیتی را هم تشکیل میداد، راه حل کارگری و قیام حزب کارگری برای راه حلی سوسیالیستی و ضد کاپیتالیستی مشروع بود. هرچا کارگران و حزب و یا احزاب کارگريشان بتوانند به هر میزان قدرت را از دست بورژوازی دربیابند نباید یک ثانیه درنگ کنند. کمونیسم کارگری برای این امر بدون ذره ای توهم و تردید تلاش میکند. \*

## در باره قطعنامه حزب پیرامون شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی

### پاسخ به برخی سوالات ...

با هیئت داور حزب

آلترناتیو، حتی در کارگری ترین شکل آن، باید از مسیر دوره انقلابی عبور کند. باید در جدال برسر قدرت بتواند سنگرهای بورژوازی را درهم شکنند، قدرت و دولت انقلابی کارگری را مستقر کند، از ابزار سیاسی دولت بعنوان یک وسیله بسط مبارزه طبقاتی سود جوید، پایه های قدرت توده ای اش یعنی شوراها را از همان ابتدا مستقر کند، کل طبقه و اکثریت جامعه را حول قدرت انقلابی خود بسیج و بمیدان بیاورد، مقاومت بورژوازی را برای اعاده وضع موجود درهم بکوبد، خود را تثبیت

برای آینده جامعه حرف میزنیم و تلاش داریم موانع این امر را کنار بزنیم. هر کسی که رابطه ای با کانونهای کارگری و رهبران عملی در ایران دارد میداند که توقع کارگران با این نوع دیدگاهها که تملق کارگر را میگوید اما جاده صاف کن تداوم قدرت بورژوازی میشود. سر سوزنی خوانانی ندارد. کارگر پیشرو امروز در ایران به مسائلی فکر میکند که روشنفکر بریده از جامعه و اسیر کلیشه های منشویکی تصور روشنی نه فقط از آن ندارد بلکه اساسا آنها را نمیشناسد. همین خطی که میگوید خود کارگران و بدون احزاب باید برای قدرت سیاسی اقدام کنند، کارگر را توده ای "ناآگاه" میداند و البته رسالت خودش را بردن "آگاهی" به میان آنها تعریف کرده است. این دیدگاهها نه جدی اند و نه وزنی میان کارگران پیشرو دارند و نه بویژه در دوره انقلابی حتی یکروز تاب مقاومت در مقابل سوالات واقعی جامعه و کارگران را دارند.

قطعنامه حزب از آلترناتیو کارگری حرف میزند، از حکومت شوراها کارگری حرف میزند، از حکومت حزب یا احزاب سخنی نمیگوید. سوسیالیسم و آلترناتیو سوسیالیستی از نظر سیاسی مبتنی بر همه قدرت به شوراها است و از نظر اقتصادی به نفی ارکانهای اساسی نظام سرمایه داری. اما این

و حزب کمونیستی را بدون کارگران فرض میکند. این فرض نادرست است. از این میگذرم که این فرض در مورد احزابی که واقعا ربطی به جامعه و مبارزه روزمره طبقاتی ندارند مصداق دارد، اما بحث کلاسیک کمونیستی و بحث کمونیسم کارگری چنین احزابی نیست. چنین احزابی حتی اگر رادیکال هم باشند تاریخا و اثباتا گروه فشار بورژوازی اند. وانگهی توده کارگران دسته جمعی و طی دوره معینی و نقشه مشخصی به نقطه قدرت سیاسی نمیرسند. کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی جنبش اش را دارد، گرایشات و سنتهای مبارزاتی و سوخت و ساز درونی اش را دارد، این گرایشات و سنتهای مبارزاتی منشا تشکیل احزاب کارگری اند. همیشه کارگران پیشرو عضو احزاب کمونیستی میشوند و همیشه احزاب واقعا کمونیستی و شایسته این عنوان دربرگیرنده بخشهایی از کارگران و پیشروان کارگری اند. حزب بدون طبقه و طبقه بدون حزب فرضی بی پایه در سیاست است. باید معنای سیاسی و واقعی دیدگاههای ضد تحزب و تحزب گریز را شناخت و کنار گذاشت. کسی که میگوید کارگر بدون آمادگی سیاسی و تشکیلاتی و بدون صف مستقل باید به جدال قدرت سیاسی برود، از پیش زمین را به بورژوازی واگذار کرده است.

ما داریم راجع به جامعه و جدال طبقاتی و جنگ آلترناتیو حرف میزنیم. داریم راجع به جایگاه کارگر و راه حل طبقاتی کارگر

## یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافاتی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

## قطعنامه و بیانیه دفتر سیاسی حزب،

### شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی

۱- جامعه ایران در آستانه تحولات تعیین کننده و سرنوشت سازی قرار دارد و مساله آلترناتیو حکومتی و حکومتی که باید جایگزین رژیم جمهوری اسلامی شود در صدر اولویتهای سیاسی جامعه قرار گرفته است.

۲- حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و استقرار فوری یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی، تلاش میکند. جمهوری سوسیالیستی نظامی متضمن نابودی استثمار سرمایه و لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. در جمهوری سوسیالیستی بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هر چه بیشتر همه انسانها میشوند. جمهوری سوسیالیستی حکومتی شورایی و متضمن اعمال حاکمیت توده های مردم در سطوح مختلف در جامعه است. انقلاب کارگری علیه رژیم اسلامی عملی ترین، کوتاه ترین و انسانی ترین راه رسیدن توده های کارگر و مردم زحمتکش به حکومت مطلوبشان است.

۳- اپوزیسیون راست، اعم از ناسیونالیستهای محافظه کار، قوم پرستان و نیروهای جنبش ملی - اسلامی، به تلاش برای شکل دادن به آلترناتیو حکومتی خود ابعاد گسترده ای بخشیده اند. این تلاشها را ما اکنون در تشکلاتی با نامهایی مانند "کنگره ایرانیان"، "شورای ملی ایرانیان"، و امثالهم مشاهده میکنیم. این جریانات میکوشند با حمایت دول ارتجاعی غربی به آلترناتیوهای ارتجاعی و استبدادی مانند "کنگره ملی عراق" و یا "شورای موقت لیبی"

شکل داده و با زور تبلیغات منکوب کننده دستگاه تبلیغاتی غرب و مهندسی افکار عمومی به جامعه حفته کنند. ماهیت این آلترناتیو ها کاملا روشن است. ارتجاعی، استبدادی، استثمارگرایانه و ضد انسانی اند. تلاش مذبحخانه ای برای جلوگیری از دخالت آزاد و آگاهانه مردم در تعیین آلترناتیو حکومتی آتی در جریان است. این نیروها از هم اکنون برای پیشروی آلترناتیو خود به تحریم اقتصادی، حمله نظامی و جنگ و نابودی جامعه امید بسته اند. کودتا و بند بست از بالای سر مردم و گره زدن فعالیتهای خود به قطب تروریستی دولتی راه عمومی به قدرت رسیدن این جریانات است. حزب آلترناتیو این جریانات را به عنوان موانعی در پروسه نابودی بنیادهای اقتصادی و سیاسی حکومت اسلامی نقد و افشاء میکند.

۴- در این شرایط حساس و سرنوشت ساز، بیش از هر زمان دیگری، لازم است که کمونیسم و کارگر نیز آلترناتیو حکومتی خود را بعنوان آلترناتیو متضمن آزادی، برابری و رفاه همگان، بعنوان آلترناتیو مطلوب توده های مردم در جامعه، اعلام کند و برای تحقق آن بیشترین نیروها را گرد آورد.

از اینرو حزب اتحاد کمونیسم کارگری طرح "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی" را در دستور قرار میدهد و تلاش میکند تا کلیه نیروهای کمونیست، کارگری، چپ، انقلابی، رادیکال، آزادیخواه و برابری

طلب را به این بیانیه جلب کند.

#### طرح "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی"

به منظور شکل دادن به حکومتی که متضمن آزادی، برابری و رفاه همگان در فردای سرنگونی رژیم اسلامی باشد، حکومتی که در آن مردم بر سرنوشت و مقدرات خویش حاکم شوند و استبداد، استثمار، تبعیض، نابرابری و ارتجاع در کلیت خود نابود شود، ما منادیان آلترناتیو کارگری - سوسیالیستی برای تحقق شرایط زیر تلاش میکنیم:

الف: ما برای استقرار یک نظام آزاد سوسیالیستی در فردای سرنگونی حکومت اسلامی تلاش میکنیم. جامعه ای که در آن استثمار نیروی کار و کار مزدی غیر قانونی است، مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید لغو شده و به دارایی جمعی کل جامعه تبدیل می شود. جامعه ای که در آن هدف فعالیت اقتصادی نه تولید سود برای سرمایه بلکه رفع نیازمندیهای متنوع و گسترده همگان در جامعه است. یک شرط تحقق چنین جامعه ای استقرار فوری یک حکومت کارگری است.

ب: حکومت کارگری به لحاظ سیاسی، حکومتی مبتنی بر سیستم شورایی و دخالت مستقیم و مستمر مردم در امر حاکمیت است. اعمال حاکمیت در تمامی سطوح جامعه، از سطح محلی تا سطح سراسری، توسط شوراهای خود مردم انجام می گیرد که هم به مثابه قانونگذار و هم مجری قانون عمل میکنند. عالیتزین ارگان حکومتی کشور کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم خواهد بود.

ج: حکومت کارگری تضمین کننده آزادیهای وسیع سیاسی و مدنی، بی قید و شرط، گسترده و برابر برای همه و رفع هر نوع تبعیض بر اساس جنسیت، تابعیت، تعلقات قومی، ملی، نژادی و مذهبی و سن در جامعه است.

د: حکومت کارگری تضمین کننده بالاترین سطح رفاه و زندگی و امنیت اقتصادی در جامعه برای همگان است.

#### حکومت کارگری - سوسیالیستی در گام اول خود فرامین زیر را صادر و به اجراء خواهد گذاشت:

۱ - انحلال کلیت حکومت اسلامی، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و سایر نیروهای مسلح حرفه ای و نیز کلیه سازمانهای نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی رژیم اسلامی.

۲ - محاکمه سران رژیم اسلامی و کلیه دست اندر کاران جنایت علیه مردم.

۳ - اعلام جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی. برقراری یک دولت و نظام سیاسی مدرن و سکولار. مصادره و بازپس گیری کلیه اموال و دارایی ها و املاکی که نهادهای مذهبی در طول حکومت رژیم اسلامی به زور و یا از طریق دولت و نهادها و بنیادهای مختلف صاحب شده اند. قرار گرفتن این اموال و اماکن در اختیار نهادهای منتخب مردم برای استفاده های عام المنفعه.

۴ - اعلام و استقرار آزادی های بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، حزب و اعتصاب. دفاع از آزادیها به قدرت ارگانهای مستقل



## قطعه‌نامه و بیانیه دفتر سیاسی حزب،

شورای پایه گذاری حکومت کارگری -  
سوسیالیستی...

و انقلابی مردم.

۵ - اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و در کلیه شئون سیاسی و فرهنگی و اجتماعی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصل برابری و آزادی زن و مرد در جامعه باشد. لغو جدا سازیها و آپارتاید جنسی. آزادی بی قید و شرط انتخاب نوع پوشش.

۶ - اعلام برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

۷ - لغو مجازات اعدام. ممنوعیت هر گونه دستگیری یا زندانی کردن به بهانه ابراز عقیده و بیان. لغو "جرم سیاسی".

۸ - اعلام رفاه همگانی بعنوان یک حق پایه ای و تلاش برای استقرار آن. تعیین حداقل دستمزد مکفی توسط نمایندگان تشکل های سراسری کارگری. پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و آماده به کار. پرداخت بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی.

۹ - تامین طب و درمان رایگان و قابل دسترس، آموزش رایگان در تمامی سطوح، تامین مسکن مناسب برای همگان: هزینه مسکن نباید از ده درصد درآمد فرد یا خانواده بیشتر باشد.

۱۰ - سازماندهی و برگزاری نشست نمایندگان شوراهای مردم توسط دولت انقلابی کارگری بمنظور تدوین قانون اساسی حکومت کارگری و سوسیالیستی.

\*\*\*

این قطعه‌نامه و بیانیه با اکثریت آرای دفتر سیاسی حزب به تصویب رسید.

## کارگران شرکت مینو

3 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، بیش از 1200 نفر از کارگران شرکت مینو تا امروز دستمزدهای سه ماهه بهمن و اسفند سال گذشته و فروردین ماه امسال را دریافت ننموده اند. مراجعه و پیگیری و اعتراضات تانکونی کارگران برای دریافت 3 ماه دستمزد معوق بی نتیجه بوده، وعده های بی اساس و نامربوط امروز و فردا از جانب کارفرما و در بسیاری موارد تهدید به اخراج کارگران معترض ادامه دارد.

یکی از کارگران میگفت: در جواب اعتراضاتمان به هر یک از ما آن هم در مقابل صد تا خط و امضا و کاغذ مبلغ 50 هزار تومان بعنوان مساعده و اللحساب میپردازند! مساعده و اللحساب یعنی چه؟ این کلاه شرعی برای سر کیسه نمودن ما کارگران است. ببینید، همین الان در جنوب شهر این تهران خراب شده، در شوش و آذری و یافت آباد و در مناطقی که بدلیل انواع آلودگی اصلا محل زندگی نیست، در مناطقی که حتی جوی آب فاضلابهای آلوده و متعفن از وسط کوچه های تنگ و محقرش میگذرد، اجاره بها یک باب آپارتمان محقر و بدون امکانات 30 تا 40 متری حداقل 10 میلیون پیش و ماهی 300 هزار تومان کرایه است. در شرایطی که یک حلب روغن 4 کیلویی 15 هزار تومان، یک کیلو برنج 5 هزار تومان، یک کیلو مرغ 5 هزار تومان، یک کیلو گوشت 25 هزار تومان، یک بطری شیر 1700 تومان است، این حکومت دستمزدمان را ماهی 300 هزار تومان قرار داده اند. این پول را هم چند ماه چند ماه نمیدانند. حالا با ماهی 50 هزار تومان چگونه باید حریف این زندگی شد؟ آیا آخوندهای بیکاره و سران قاتل و دزد حکومت اسلامی سرمایه داران مانند ما کارگران و خانواده هایمان در جهنمی از فقر و محرومیت و استثمار اینچنین نابود و تباہ میشوند؟

کارخانه مینو با بیش از 1200 نفر کارگر با قراردادهای موقت 3 ماهه، با دستمزدهای 300 هزار تومانی پرداخت نشده و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر واقع در جاده مخصوص کرج تولید کننده انواع کیک و کلوچه و بیسکویت و ... میباشد.

## حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲ مه ۲۰۱۲ - ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۱

## اخراج عضوی از حزب که مرتکب اخاذی از یک پناهجو شده بود

همانطور که در اطلاعیه قبلی حزب اعلام کرده بودیم یکی از اعضای حزب با نام تشکیلاتی "روزبه" ساکن انگلستان با دروغ و تحریف مواضع و سیاستهای حزب، اقدام به اخاذی از یک پناهجو برای حل معضل پناهندگی اش کرده بود. فرد مذکور به این پناهجو قول صدور تائیدیه از جانب حزب را داده و در قبالتش طلب کمک مالی "برای پیشبرد اهداف حزب" را کرده بود. مدارکی که فرد پناهجو در اختیار ما قرار داده دقیقاً نشاندهنده واریز شدن پول به حساب شخصی در قبال ارسال تائیدیه پناهندگی شان از جانب حزب است.

حزب شکایت فرد پناهجو را مورد بررسی دقیق قرار داد و پس از جلسه با روزبه و فرد شاکو و بررسی مدارک موجود به این نتیجه رسید که اتهام وارده صحت داشته و روزبه مرتکب اقدام شنیع اخاذی شده است. متعاقب این بررسی ها حزب این فرد خاطی را از حزب اخراج کرد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری اخاذی از پناهجویان و سوء استفاده و لطمه زدن به حرمت و اعتبار حزب را عمیقاً محکوم میکند.

روابط عمومی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۰ آوریل ۲۰۱۲

## کارگران جنرال مکانیک

4 ماه دستمزد معوق، تهدید و اخذ تسویه های دروغین!

در اطلاعیه قبلی در تاریخ 17/1/91 اعلام داشتیم در اولین روزهای سال جدید بنا به دستور عوامل کارفرما 50 نفر از کارگران شرکت جنرال مکانیک از کار اخراج و بیکار شده اند و علاوه بر اخراج و بیکارسازیها کارفرما از پرداخت دستمزدهای 3 ماهه دی و بهمن و اسفند و همچنین مبالغ عیدی و پاداش و سنوات پایان سال کارگران طفره میروند. تا امروز دوازدهم اردیبهشت ماه علاوه بر عدم پرداخت مطالبات فوق از جانب کارفرما هم اکنون دستمزدهای فروردین ماه کارگران نیز معوق شده است. در حال حاضر کارگران جنرال مکانیک 4 ماه دستمزد و اضافه کاری و مبالغ عیدی و پاداش و سنوات پایان سال را طلبکارند. کارفرما به تعدادی از 50 نفر از کارگران اخراجی هم که در آغاز سال جدید بیکار شده اند، ورق پاره هائی با مبالغ بسیار اندک به نام چک تسویه حساب داده است. حالا با گذشت بیش از یکماه سرگردانی چکهای تعداد زیادی از کارگران بی محل و جعلی از آب در آمده است. اعتراض و شکایت کارگران اخراجی به مراجع حکومت اسلامی و شرکت جنرال مکانیک تا امروز حتی برای نقد نمودن این چکهای جعلی و کلاه برداری به اصطلاح تسویه حساب بی نتیجه مانده است.

یاری مدیر جنرال مکانیک برای دزدی و سر کیسه کردن دستمزدهای ناچیز کارگران در چند روز اخیر به حربه جنایتکارانه دیگری متوسل شده اند. عوامل کارفرما با توسل به تهدید اخراج و تحت ایجاد فضای روانی فشار و ارعاب در میان کارگران شاغل تا امروز به ضرب زور از تعدادی از کارگران به خط و امضای خود کارگران برگه های تسویه حساب؟! از کارگران اخذ نموده اند. عوامل کارفرما خطاب به کارگران گفته اند یا با رضایت خودتان این برگه های تسویه حساب را نوشته و امضا میکنید یا اخراج از کار! در این برگه ها آمده است که کارفرما همه حق و حقوق کارگران را تسویه و پرداخت نموده و از جهت مطالبات و دستمزدهای معوق، هیچیک از کارگران هیچ طلبی از کارفرما ندارند. این یعنی نهایت فساد و تعفن و جنایت سرمایه داری بر علیه ما کارگران و زحمتکشانی که در این آشفته بازار فقر و فلاکت و تورم و گرانی در چنگال حکومت اسلامی گرفتار آمده اند. اکنون و در سال جدید روش جدید جنایتکارانه اخذ اجباری برگه های دروغین تسویه حساب به خط و امضای خود کارگران و بر علیه خود کارگران در بسیاری از مراکز صنعتی و کارگری توسط سرمایه داران و عوامل حکومت اسلامی در حال اجراست. این حربه جاده صاف کن دزدی هرچه بیشتر از دستمزدهای ناچیز کارگران و زمینه ساز اخراج و بیکار سازیهای وسیع تر در آینده است.

شرکت راه و ساختمان جنرال مکانیک (غرب تهران) هم اکنون با بیش از 50 کارگر با قراردادهای سفید امضا و دستمزدهای به اصطلاح 330 هزار تومانی و ساعت و شیفت کاری فعلا نامعلوم در حال حاضر طرف قرارداد شهرداری تهران و مجری و سازنده انواع اتوبان و پل های روگذر در غرب تهران است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲ مه ۲۰۱۲ - ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۱

## کارکنان آموزش و پرورش منطقه 5 تهران

عدم تمدید قراردادهای، عدم پرداخت سنوات و اضافه کاری!

بنا به خبر دریافتی، مبالغ اضافه کاری فروردین ماه و سنوات پایان سال بیش از 500 نفر از کارکنان قراردادی آموزش و پرورش منطقه 5 تهران که اکثریت آنها از نیروهای خدماتی هستند پرداخت نشده است. علاوه بر نپرداختن دستمزدها اوباش حکومت اسلامی از تمدید قراردادهای کارکنان نیز خودداری میورزند.

یکی از معلمین میگفت بیش از 15 سال در آموزش و پرورش سابقه کار دارم. هنوز که هنوز قراردادی و موقت کار هستم، هیچ ضمانتی برای ادامه کار و امنیت شغلی نداریم. اینها مخصوصا تمدید قراردادهای کاریمان را به تاخیر می اندازند. الان حدود 2 ماه است قراردادهای یکساله کاری ما 500 نفر تمام شده اما برای تمدید همین قراردادهای فرمایشی و بی اعتبار که حتی بر علیه ما هم هست و منافع خودشان را تامین میکند کارشکنی میکنند. اینها همیشه میخواهند همه انسانهای کارکن و زحمتکش جامعه را در ابهام و بلاتکلیفی و نگران خاطری و در فقر و محرومیت نگه دارند تا برای جنایاتشان حق السکوت بگیرند. این حکومت اسلامی سیاستش این است. میخواهد با گروگان گرفتن نان شب و زندگی مردم بر خر مراد سوار سوار باشد. اما همه این ارازل و اوباش اسلامی و باندهای جنایت و دزدی کور خوانده اند، باید بدانند که ظرفیت و کاسه صبر هم حد و حدودی دارد، اینها گور خودشان را با دست خودشان کنده اند. سنوات پایان سال را هم نمیدهند، بطور متوسط روزی 4 ساعت بیشتر بعنوان اضافه کاری از هر یک از ما کار می کشند اما پول این 4 ساعت نه محاسبه میشود و نه پرداخت. چند روز پیش تعدادی از ما به آموزش و پرورش منطقه 5 رفتیم و اعتراض نمودیم. گفتیم برای اجاره خانه، برای نان شب، برای هزینه های زندگی خانواده هایمان لنگ و گرفتار شده ایم. در جواب اون یارو مردیکه بی همه چیز مقدم مدیر منطقه 5 گفته بود: برای کارکنانی که هنوز قراردادهایشان تمدید نشده چه پولی؟ چه اضافه کاری؟ ما پولی برای این بذل و بخشش ها نداریم!

آموزش و پرورش منطقه 5 در غرب تهران در اتوبان ستاری واقع است. اعتراض و پیگیری کارکنان زحمتکشی که خواستار تمدید قراردادهای کاری و دریافت فوری دستمزدهای معوقشان هستند همچنان ادامه دارد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲ مه ۲۰۱۲ - ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۱

## تمام فلاسفه تاکنون جهان را

تفسیر کرده اند،

حال آنکه مسئله بر سر

تغییر آنست!

کارل مارکس

## فعالیت‌های حزب در اول ماه مه



### سوئد

گوتنبرگ: روز اول ماه مه، طبق سنت هر ساله، چادر اطلاعاتی حزب اتحاد کمونیسم کارگری از ساعت ۹ صبح در میدان "آهن" برپا شد. احزاب و سازمان‌های مدافع حقوق کارگر هم میزها و چادرهای اطلاعاتی خود را برپا کردند. از ساعت ۱۰ صبح کم جمع فعالان چپ و سوسیالیست شروع شد. همه جا صحبت و بحث حول تجمعات و اعتراضات کارگری بود. اطلاعیه اول ماه مه در میان بازدید کنندگان پخش شد. ساعت ۱۴ راهپیمایی با شعار اتحاد انترناسیونالیستی طبقه کارگر شروع شد. باندرولهای حزب همراه با پلاکاردهایی از مارکس توجه مردمی که برای شرکت در مراسم اول ماه مه آمده بودند قرار گرفت و از آنها عکس گرفته می شد. در آخر راهپیمایی سخنرانی کریم نوری مبنی بر اینکه در اول ماه مه اعلام می کنیم که این دنیای وارونه را از قاعده اش بر زمین خواهیم گذاشت و دنیای بهتری خواهیم ساخت، مورد استقبال تجمع کنندگان در میدان اصلی شهر قرار گرفت.

### آلمان

در کلن آلمان تشکیلات حزب مبادرت به برپائی چادر و میز کتاب و توزیع ادبیات حزب کرد.



### کانادا

در تورنتو کانادا فعالین حزب در تظاهرات اول ماه شرکت کردند و در طول تظاهرات با شعار کارگران جهان متحد شوید و مرگ بر سرمایه داری رژه رفتند. در محل اجتماعات

## سخنرانی اعضای رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمناسبت اول ماه مه در استکهلم و لندن

روز یکشنبه ۲۹ آوریل، آذر ماجدی، عضو دفتر سیاسی حزب و رئیس سازمان آزادی زن، از جانب تربیون آزاد، لندن به جلسه ای در بزرگداشت اول ماه مه دعوت شده بود. آذر ماجدی در این جلسه سخنرانی ای با تیتز "سرمایه داری یا سوسیالیسم" ایراد کرد. آذر ماجدی تاکید کرد که خواستهای واقعی مردم یعنی آزادی، برابری و رفاه قابل تحقق در یک نظام سرمایه داری نیست و تامین و تضمین این خواستها تنها در چهارچوب یک جامعه سوسیالیستی امکانپذیر است. آذر ماجدی طی سخنرانی به وضعیت مشقت بار طبقه کارگر ایران و به تشدید اخراج ها، افزایش گرانی و تشدید نابسامانی موقعیت کارگران اشاره کرد. وی همچنین در مورد بحران عمیق سرمایه داری در کل جهان صحبت کرد. گفت که اکنون دیگر به ناباورترین بخش توده ها نیز ثابت شده است که سرمایه داری منشاء فقر و فلاکت، تبعیض و سرکوب توده ها است. این سخنرانی بشکل ویدئو در دسترس است که در زیر لینک آن درج خواهد شد.

سخنرانان دیگر این جلسه منوچهر ثابتیان و کوثر آل علی بودند. پس از سخنرانی ها بخش پرسش و پاسخ بود که طی آن مباحث داغی طرح شد. بیشتر بحث ها بر مساله سرمایه داری و سوسیالیسم و امکانپذیری سوسیالیسم متمرکز شد. همچنین در مورد مساله ستم ملی و راه مبارزه با آن مباحث داغی درگرفت. آذر ماجدی در این بخش نیز بر پاسخ کمونیسم کارگری تاکید گذاشت. از برابری کلیه انسانها صرف نظر از جنسیت، ملیت، زبان، مذهب و غیره و همچنین از حق هر انسانی در صحبت، آموزش، انتشار به زبان مادری دفاع کرد و گفت که در جامعه آزاد ایران بر زبانی که بعنوان زبان اداری در جامعه مورد استفاده قرار می گیرد، رفرانوم خواهد شد. او علیه ایده فدرالیسم بعنوان یک پروژه خطرناک و خونین صحبت کرد.

[http://www.youtube.com/watch?v=R9\\_qLnXO-Zk&list=UUyWuzEp4IUUbd8L6Xa7XJxg&index=2&feature=plcp](http://www.youtube.com/watch?v=R9_qLnXO-Zk&list=UUyWuzEp4IUUbd8L6Xa7XJxg&index=2&feature=plcp)

بمناسبت اول ماه مه، روز شنبه ۲۸ آوریل سیاوش دانشور عضو دفتر سیاسی حزب اتحاد کمونیسم کارگری بدعوت شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران در پانلی با عنوان پیکارهای جنبش کارگری در اوضاع کنونی در شهر استکهلم شرکت کرد. موضوع بحث سیاوش دانشور در باره فراتر رفتن کارگران از چهارچوب سرمایه داری و مسئله قدرت سیاسی کارگری در متن بحران کاپیتالیسم و اشکال سازماندهی حزبی و توده ای طبقه کارگر بود. دیگر سخنرانان این پانل جلال محمد نژاد از حزب کمونیست ایران، سلام زبجی از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، استی پیروتی و عباس منصوران از فعالین جنبش سوسیالیستی بودند.

در این جلسه حاضرین فعالانه در مباحث شرکت کردند و سوالات متعددی راجع به مسائل سازمانیابی کارگران و مسائل نظری سوسیالیسم طرح شد.

روابط عمومی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

اول ماه ۲۰۱۲

## فعالیت‌های حزب در اول ماه مه ...

محمود احمدی از اعضای رهبری حزب سخنرانی کرد که مورد توجه و استقبال حاضرین قرار گرفت. این سخنرانیها با استقبال رسانه ها مواجه شد و برخی شبکه های خبری در باره سرمایه داری و سوسیالیسم و جنبش ۹۹ درصد با محمود احمدی گفتگو کردند.



سرنگون باد جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!